

## سلسله صوفیه گنابادی

قسمت اول

سلسله گنابادی نعمت‌اللهی که امروز مورد توجه بسیاری از دوستاران عرفان و تصوف قرار دارد و بخصوص شرح حال و خصوصیات مرحوم آقای صالح‌علیشاه را که نیم قرن رهبری این فرقه را بعهده داشت و در این مقاله تا حد مقدور بی‌طرفانه مورد توجه قرار خواهیم داد. در سال ۱۲۷۸ قمری حاج میرزا کوچک نایب‌الصدر رحمت‌علیشاه قطب و مقتدای سلسله نعمت‌اللهی در شیراز رحلت نمود.

بنابر اعتقاد اصولی تصوف مسلماً هر مقتدا و رهبر بالهام معنوی برای بعد از مرگ خویش رهبری را تعیین میکند و رشته این تعیین همواره ادامه مییابد. مسئله جانشینی صرفاً بلیاقت شخص و تشخیص مرشد بستگی داشته و هیچگونه ارتباطی به تحصیل علوم ظاهری ندارد. چه بسا اشخاص با سواد باتعین که باید خاک‌پای حتی بیسوادان روشندل را توتیای چشم کنند. بعد از مرحوم رحمت‌علیشاه شیرازی سه نفر خویشان را جانشین ایشان اعلام کردند:

۱- حاج آقا محمد عموی مرحوم رحمت‌علیشاه که از فقهای بنام شیراز بوده

و مورد توجه مردم بود.

۲- حاج میرزا حسن صفی‌علیشاه که در تهران مقیم بود.

۳- حاج آقا محمد کاظم سعادت علی‌شاه اصفهانی تاجر تنباکو فروش .  
حاج آقا محمد نفوز محلی و اطلاعات علمی داشت و در اجتماعات علمی شرکت  
میکرد و از این حیث مردی سرشناس محسوب میشد.

حاج میرزا حسن صفی‌علیشاه گذشته از اطلاعات وسیع دارای ذوق و طبع شعری  
بود که اشعار نفوز و تفسیر منظومی نیز تنظیم کرده است. ذوق وافر مردم داری وی و بخصوص  
ارادت ظهیرالدوله داماد ناصرالدین‌شاه بشخص صفی‌علیشاه موجب نفوز وی بود و موقعیت  
خاص در ایران آن روز پیدا کرده بود. حاج آقا محمد کاظم سعادت علی‌شاه (مشهور  
بطاوس العرفا) اصفهانی تاجر تنباکو فروش بود و آن جناب بظا هر دارای اطلاعات علمی  
کاملی نبود و با علوم مرسومه زمان آشنائی زیاد نداشت بعضی فقراء که خود را کاملتر میدانستند،  
کتاب نابغه علم و عرفان صفحه ۲۶»

بنابراین بر حسب ظاهر از این سه نفر موقعیت اجتماعی و تسلط به علوم ظاهری  
برای آقای سعادت علی‌شاه اصفهانی کمتر فراهم بود.

### ورود حاجی ملاسلطان محمد گنابادی به سلاک هر فان

حاج آقا محمد کاظم در ۱۲۸۰ سفری بخراسان نمود و در این سفر حاج ملا محمد  
گنابادی به سلاک ارادتمندان وی درآمد و بعد از فوت حاج آقا محمد کاظم در سال ۱۲۹۳  
مسند جانشینی وی به حاج ملا محمد سلطان علی‌شاه گنابادی رسید.

حاج ملاسلطان محمد مردی بود که در فقه بدرجه اجتهاد رسیده و در علوم  
معقول نیز از بهترین شاگردان حاج ملاهادی سبزواری بود.

از لحاظ اجتماعی حاج ملاسلطان محمد سابقه نفوز فامیلی نداشت و مردی  
بود خود ساخته که بنا بگفته خود وی «... در اول هر ماه يك قران میدادم و هشتاد و  
چند که می گرفتم زیر تشك می‌گذاشتم و هر روز قدری برداشته خرج میکردم و در آخر  
هر ماه مقداری باقی مانده بود. چون آن مبلغ تمام شد دیگر رافرو ختم و صرف زندگی  
کردم... کتاب نابغه علوم و عرفان صفحه ۱۷»

بازحمت زیاد تحصیل را شروع کرده ادامه داد - باهوشی وافر با آخرین درجه از علوم متداول زمان نایل شد و حتی طب را نیز فرا گرفت - باشوق و عشقی دست ارادت به مراد خود داد و جانشین او شد . در يك گوشه ایران نفوذ و موقعیت حاج آقا محمد معرف تصوف و عرفان بود . در مرکز مملکت حاج میرزا حسن صفی علیشاه بامردم داری نفوذی تحصیل کرده و با ذوق شعر و لطافت طبع محافل را رونق میداد . ظهیرالدوله داماد ناصرالدین شاه قاجار که گاه حکومت و گاه وزارت داشت دست ارادت به حاج میرزا حسن داده و مرید وی شده بود .

در گوشه دیگر ایران و در انتهای کویر در گوشه يك ده کوچک سه هزار نفری شخص دیگری نتیجه زحمات و مطالعات و اشتیاقات و عوالم معنوی خویش را کم کم و متدرجاً بدون مینمود و به سلاک راه فیض میرساند . واعظ فاضل آقای کمالی سبزواری مکرراً حاج ملاسلطان محمد را بعنوان «مؤسس» سلسله گنا بادی نام برده است و معتقد است که مشارالیه مکتب خاصی تأسیس نمود بطوریکه فرقه گنا بادی بحق بنام او نامیده شده است .

### استثنای طبع حاج ملاسلطان محمد

حاج ملاسلطان محمد در مراجعت از سفر مکه به حضرت عبدالعظیم وارد شد . عده زیادی از علما و رجال از او دیدن کردند . «ولی آن جناب از رجال دولت بازدید نکرد و حتی کامران میرزا خواهش بازدید نموده ایشان قبول نفرمود جمعی از فقراء عرض کرده بودند اند که فقراء در طهران بسیارند و ممکن است ملاقات با نایب السلطنه و بعضی رجال موجب آسایش آنان شود فرموده بود : فقیراگر واقعاً فقیر است کسی غیر از خدا نتواند با و صدمه رساند و اگر خدا خواسته باشد که او مبتلا گردد باز هم منتهای آمال اوست و بسوی آن می رود نه آنکه بگریزد و اگر فقیر واقعی نباشد باید صدمه خورد تا بالاخره رو بخدا کند کتاب نایفه علم و عرفان صفحه ۷۶»

در همین سفر ناصرالدین شاه از شکار گاه پیغام داده بود که توقف کنند تاوی از شکار مراجعت کرده و ملاقات نماید اما حاج ملاسلطان محمد در حضور جمع بعد از

اصغای پیام شاه دستور حرکت داده و گفته بود اگر کسی برای خدا طالب دیدار ماست رنج سفر را بخود هموار کرده گنا باد بیاید در غیر این صورت بہتر است ملاقات نشود.

### سلسله گنا بادی تا امروز

حاج ملاسلطان محمد نتیجہ زحمات و مطالعات خویش را بصورت کتب عرفانی، دستور العملها و رویہ اجتماعی و روش زندگی بہ مسلک و سلسلہ خویش اہدا نمود. وی در سال ۱۳۲۷ قمری رحلت نمود و فرزند او حاج ملاعلی نورعلی شاہ جانشین وی همان روش را طی ۱۰ سال دوران رہبری خود ادامہ داد.

از ۱۳۳۷ قمری بعد از رحلت حاج ملاعلی نورعلی شاہ فرزند وی حاج شیخ محمد حسن صالح علی شاہ رضوان اللہ علیہ بر مسند پدر تکیہ زد و قریب نیم قرن رہبری سلسلہ گنا بادی را بہمیدہ داشت.

دوران حاج ملاسلطان محمد و حاج ملاعلی دورانی بود کہ ایران متلاطم بود امنیت وجود نداشت رفت و آمد و وسایل ارتباطی کم بود.

چون وسایل ارتباطی بتدریج و در مدت پنجاہ سال ارشاد وی رو بہ توسعه نہادہ و ایران در شکل جدید خود یعنی تمدن غربی جلوہ گری می کرد مشارالہ مجال یافت تا کلیہ اصول و تئوریہای مورد علاقہ توجہ خاص پدر وجود (در عین حال مرشدہای سلف خویش) را نمایان ساختہ و با رفتار خویش حقیقت عرفان و روش تصوف سلسلہ گنا بادی را بمردم بخصو ص مریدان خود بشناساند.

### حاج شیخ محمد حسن صالح علی شاہ

مرحوم حاج ملاعلی نورعلی شاہ بعد از اینکہ مسند ارشاد بہ پدرش رسید بدون تحقیق و تفحص تسلیم شدہ بعنوان جستجوی راہ حق بہ مسافرت ممالک خاور پرداخت و پس از ہفت سال دوری و سیر و سیاحت بوطن باز گشت و تسلیم پدر گردید و اورا بعنوان مرشد انتخاب نمود.

مشارالیه بعد از مراجعت ازدواج نمود و هم‌چنین از طرف پدر بعنوان جانشین تعیین گردید. اولین فرزند وی در هشتم ذیحجه ۱۳۰۸ قمری بدنیا آمد و بنام حاجی محمد حسن (بمناسبت تولد در ایام حج) نامیده شد.

این اوان مقارن قدرت ناصرالدین شاه بوده و هم‌چنین زمزمه‌های آذاینخواهی بگوش میرسید و آثار تشنج مشهود بود. علیهذا اقتضای وضع زمان و هم‌چنین مشرب عرفانی رهبر فرقه گنابادی که مبنی بر عزلت از هیجانات حاد اجتماعی بود موجب گردید که توجه تام و تمام حاج ملاسلطان محمد باولین نوه پسر وی و نیز هم‌کامل حاج ملاعلی نورعلیشاه بفرزند اول خود مصروف گردد.

مرحوم حاج ملاسلطان محمد بارها گفته بود «فرزند تو مردی خواهی شد - کتاب نابغه علم و عرفان» و بدین طریق وی مستقیماً متوجه تعلیم و تربیت نوه خویش گردید. محصول يك عمر زحمت و مرامت و رموز «طی راه خود ساختگی» را که حاج ملاسلطان محمد درک کرده بود و هم‌چنین نتیجه مردم‌شناسی و سیر آفاق و انفس که برای حاج ملاعلی نورعلیشاه حاصل شده بود بصورت تعلیم و تربیت به کودک خردسال آنروز و مرد نام‌آور دوران بعدی تحویل میگردید.

دوران پرتلاطمی در مملکت آغاز شده بود که تا ظهور رضاشاه پهلوی ادامه داشت. استعداد و هوش ذاتی که در این فرزند بود موجب شد از زیر وب‌های اجتماعی درس بگیرد و نتایج تجربیات پدر و جد را نیز بدان بیفزاید. با استماع بیانات جد و پدر و تخلق به خلقی که آنان در کتب خویش تبلیغ مینمودند مظهری زنده از کتب و روش آنان تلقی میگردید.

عظمت سلسله گنابادی در تزیید بود و این امر موجب تحریکاتی از نواحی متعدد میگردید.

مخالفت مذهبی بین متشرعه و متصوفه هر زمان که تصوف در خفا بوده و یا متصوفه بکلی خود را از متشرعه جدا کرده و در قلمرو آنان دخالت نمی‌کردند خفیف میشد. اما این مخالفت از دوران حاج ملاسلطان محمد شروع بشدت کرد زیرا هم

تصوف علنی شد هم‌متصوفه مقید به‌الامت خاص (سبیل - یا لباس درویشی) نبودند و بعلمت حشر با مردم عقاید خویش را در معرض افکار عامه می‌گذاشتند و هم‌حاج ملاسلطان محمد نه‌تنها در علوم منقول نیز بدرجه اجتهاد رسیده بود بلکه حتی بلباس مجتهدین نیز ملبس بوده و در امور فقهی نیز نظر بود علی‌هذا بنظر عده‌ای این وضع بمنزله تجاوز از حد مجاز تلقی می‌گردید .

عده سودجو نیز بطمع دنیا و بصور این‌که عظمت معنوی حاکی از ثروت مادی است چشم به‌مال و جاه دنیا داشته مزاحمت‌هایی را موجب میشدند .

انقلاب مشروطیت نیز مزید بر امر شده از چند جنبه حمله و مخالفت آغاز گردید . مرحوم صالح‌علیشاه در محیط صلح و صفای عرفانی بدنیا آمد . در لوای تجربه و تربیت اسلاف پرورش یافت در محیط متشنج و پراز جدال بزرگ شد .

او اصلاً پرورده جنگ بود - جنگی همه‌جانبه و با همه‌گونه اسلحه . از اینرو است که بفتون جنگ‌های اجتماعی کاملاً آشنا شده و تقریباً در تمام مبارزات بعدی پیروز شده و بهمین دلیل نیز قدر صلح و آرامش را میدانست و همواره از تشنج و جدال پرهیز داشت .

مرحوم حاج ملاعلی بعد از دو سال که در هسنند ارشاد متمکن بود در سال ۱۳۲۹ قمری فرزند ۲۱ ساله خویش را که بدستور خود او به سفر حج رفته و این فریضه را نیز انجام داده بود لایق دیده و تشخیص داد که تربیت‌ها و تجارب زندگی فکر مستعد فرزندش را پرورش کافی داده است . لذا او را به جانشینی خویش تعیین و اعلام کرد و به لقب صالح‌علیشاه ملقب ساخت . بعد از فوت مرحوم نورعلیشاه فرزند و جانشین او که در آن ایام جوانی ۲۸ ساله بود برمسند ارشاد متمکن گردید - قدرت روحی، علم و تجربیات این جوان پیران دانشمند و سالخورده‌ای چون مرحوم حاج شیخ عبدالله حائری مازندرانی را به تسلیم و انقیاد عرفانی و امیداشت .

مرحوم صالح‌علیشاه سفرهای متعددی بداخله کشور نمود و در سال ۱۳۴۲ قمری با خانواده و بستگان خود بمنظور زیارت سفری به‌عبات عالیات نمود .

با وجود اینکه وی همواره مایل بود که بخصوص در مسافرت‌ها از تجلیل ظاهری خودداری گردد تا موجب تحریک حسد نشده و مخالفت‌های جنبه‌های مختلف شدت نیابد معیناً در اکثر سفرها شدت احساسات پیروان تجلی میکرد و همین امر در سفر عتبات نیز موجب گردید که مخالفت‌های مذهبی ظاهر شود حتی بدستور یکی از علمای آن روز که در امور سیاسی نیز نفوذی داشت در ب‌های ورودی حرم‌های مطهر را بر روی وی و همراهان می‌بستند بنا بگفته و نقل قول از خود ایشان وی هر روز تادم حرم رفته از پشت در سلام داده و اظهار ادب و حالت توسلی میداشت ولی هیچ اقدام اجتماعی یا سیاسی برای اجازه ورود بحرم مطهر ننمود.

گویا در همان ایام یکی از مراجع مهمه سیاسی که همواره از اختلافات مسلمین بهره‌برداری میکنند کمکهای «بقول خود بیدریغ» خویش را عرضه داشته‌است تا حکم مجتهد شرعی را از اثر بیدارد و راه حرم را باز کند اما مرحوم صالح‌المعلیشاه حاضر نشده بود حکم یک مجتهد اسلامی بلا اجرا بماند.

دردوران رضاشاه مخالفت‌ها کم و آسایشی نسبی رخ داد. اما در اواخر دوران سلطنت رضاشاه در اثر سوء تفاهمی در سال ۱۳۱۶ شمسی مشارالیه ناچار شد دو سال پشت سر هم بتهران سفر کند.

در این سفرها برای اطمینان مراجع دولتی از اینکه وی هیچگونه دسته‌بندی سیاسی ندارد کتاب پند صالح را تألیف فرمود که تا کنون سه بار چاپ و منتشر گردیده‌است. در این کتاب که بمنزله نسخه طیب یعنی حاوی دستورالعمل است وی از استدالات عرفانی چشم پوشیده و فقط نتیجه استدالات یعنی نسخه بی‌برای رفتار و اعمال پیروان تنظیم فرموده است.

مشارالیه در نهم ربیع‌الثانی ۱۳۸۶ قمری مطابق با ۶ مرداد ۱۳۴۵ شمسی در موطن خویش رحلت نمود و در جوار جدش حاج ملاسلطان محمد مدفون گردید.

وی واجد ادش چون معتقد بودند که رهبر روحانی نباید رهبری را بعنوان شغل انتخاب کند بلکه مرمعاش خویش را در فعالیت خود قرار دهد کشاورزی را انتخاب و مرمعاش آنان از این راه بود.

ناتمام